

## تدوین چارچوبی برای تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده (مورد مطالعه: ایل قشقایی)

تاریخ ارسال: ۹۶/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۱

محمود ضیایی\*

ابوالحسن فقیهی\*\*

محمود جمعه پور\*\*\*

فاطمه شکاری\*\*\*\*

### چکیده

الگوی معیشت عشایری در کشور ما در حال حاضر با بحران جدی مواجه است. این در حالیست که اجبار جامعه عشایری برای گذار از معیشت کوچ نشینی تحت تاثیر فشارها و تنش‌ها پیامدهای نامطلوبی را برای کیفیت زندگی آنان به همراه دارد. اما معیشت عشایری بعنوان بخشی از میراث قومی کشور این قابلیت را دارد که از گردشگری برای تنوع بخشی به اقتصاد خود کمک بگیرد؛ خط مشی گذاری و برنامه ریزی برای بهره‌مندی از قابلیت‌های جامعه عشایری در گردشگری، در گرو حفظ معیشت عشایری و مستلزم شناخت عواملی است که به ارتقای ظرفیت تاب‌آوری آن خواهد انجامید. هدف این پژوهش شناسایی عواملی است که به تاب‌آوری معیشت عشایری می‌انجامد. این پژوهش کوشیده تا با مفهوم سازی نظریه چشم‌انداز ثبات به بسط مبنای نظری تاب‌آوری معیشت کمک نماید. داده‌ها از طریق مشاهده مستقیم، مصاحبه نیمه ساختاریافته و مطالعه داده‌های غیرتعاملی (آرشیوی) گردآوری شدند. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. در نهایت، عوامل شکل‌دهنده تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده بر مبنای نظریه چشم‌انداز ثبات، در قالب هفت مقوله دسته‌بندی شدند؛ به طوری که ویژگی‌های معیشت و عوامل محدودکننده درونی گویای مقاومت؛ عوامل تواناساز درونی بیان‌کننده گستره، عوامل مرتبط با کیفیت زندگی گویای تزلزل سیستم معیشت و عوامل محدودکننده بیرونی، عوامل تواناساز بیرونی و تغییرات و تنش‌ها منطبق بر مفهوم پانارشی بود.

**واژگان کلیدی:** تاب‌آوری معیشت؛ چشم‌انداز ثبات؛ گردشگری عشایری؛ ایل قشقایی؛ تحلیل تماتیک

---

\* دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری؛ دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

\*\* استاد دانشکده مدیریت و حسابداری؛ دانشگاه علامه طباطبائی

\*\*\* استاد دانشکده علوم اجتماعی؛ دانشگاه علامه طباطبائی

\*\*\*\* دانشجوی دکتری دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

بحران‌ها و تغییراتی که در دنیای امروز به وقوع می‌پیوندد، می‌تواند اثرات قابل‌توجهی بر جوامع به جا بگذارد. از این رو در عصر حاضر نیاز به بروز واکنش‌های سریع و انعطاف‌پذیر وجود دارد. یکی از ابزارهای مهم برای مواجهه با این تغییرات، استفاده از تفکر تاب‌آوری<sup>۱</sup> است (Berkes & Ross, 2013). اولین بار هولینگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۳، ص. ۱۴) تاب‌آوری را در ارتباط با اکوسیستم‌ها به عنوان «معیاری برای دوام سیستم‌ها و توانایی آن‌ها برای سازگار شدن با تغییرات و آشفتگی‌ها و در عین حال حفظ کردن روابط بین عناصر و متغیرهای معرف وضعیت سیستم<sup>۳</sup>» به کار برد. این مفهوم بعدها در ارتباط با سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی به کار رفت (Bec, 2016). در سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی، تاب‌آوری یعنی سیستم چه میزان شوک را می‌تواند جذب کند و هم‌چنان در وضعیت تعادل باقی بماند؛ بعلاوه، به چه میزان قابلیت خودسازماندهی و ظرفیت یادگیری دارد (Folke et al., 2002). یکی از حوزه‌هایی که مفهوم تاب‌آوری اجتماعی-اکولوژیکی در آن کاربرد دارد، تاب‌آوری جامعه<sup>۴</sup> است (Berkes & Ross, 2013) و تاب‌آوری معیشت<sup>۵</sup> از جمله موضوعاتی است که در مطالعات حوزه تاب‌آوری جامعه مورد توجه قرار گرفته‌است. اثرات ناشی از بروز تغییرات فزاینده جهانی بر سیستم‌های معیشت جوامع آسیب‌پذیر موجب شده‌است که مفهوم تاب‌آوری معیشت مورد توجه ویژه قرار بگیرد (Tanner et al., 2015). معیشت در صورتی تاب‌آور است که بتواند در مواجهه با آشفتگی‌ها و تنش‌ها کارکردهای کلیدی خود را حفظ کند یا بهبود دهد، به طوری که تولید و رفاه آن کاهش نیابد (Speranza, Wiesmann, & Rist, 2014). معیشت، نه تنها شیوه‌های مختلف کسب درآمد، بلکه روابط اجتماعی و نهادها؛ حقوق مالکیت؛ مشارکت و ابعاد کیفیت زندگی که برای حفظ معاش ضروری هستند را شامل می‌شود (Rampini, 2016).

در کشور ما معیشت عشایری، متأثر از جریان تغییرات و تحولات جامعه در زمینه‌های مختلف دستخوش تغییرات فراوانی شده‌است (طهماسبی، بدری، و رضوانی، ۲۰۱۶). این تغییرات، موجب شده‌است جوامع عشایری به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی به حاشیه رانده شوند. بررسی آمارهای جمعیتی نیز مؤید روند کاهش جمعیت عشایری ایران است. به طوری که سهم عشایر کوچنده از جمعیت کشور به ۱/۶۸٪ تقلیل یافته‌است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). در نتیجه، سیستم معیشت بسیاری از

عشایر کوچنده از مرزهای تاب‌آوری خود عبور کرده و به سرعت به سمت الگوی معیشت یکجانشینی گرایش پیدا کرده‌است. اگرچه، شاید اسکان، سرنوشت اجتناب‌ناپذیر عشایر کوچنده باشد، اما اجبار در گذار از یک سیستم معیشت، پیش از فراهم شدن الزامات آن، موجب می‌شود که عشایر به راحتی در سیستم معیشت جدید جذب نشوند و سیستم جدید نیز قادر نباشد آن‌ها را هضم کند. نتایج مطالعاتی که به بررسی پیامدهای اسکان عشایر پرداخته‌اند نیز حاکی از پیامدهای نامطلوب اسکان در برخی کانون‌های توسعه است (برای مثال، توکلی و توانا، ۱۳۸۸؛ شاطری و حجی پور، ۱۳۹۰). به این ترتیب، شناخت عواملی که از ظرفیت تاب‌آوری جوامع کوچنده می‌کاهد و آنان را با شتاب به سوی الگوی معیشت جایگزین سوق می‌دهد به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا با کاستن از سرعت این گذار، پیامدهای نامطلوب آن را کنترل کنند.

ناکارآمد بودن نحوه معیشت فعلی عشایر بیان‌گر لزوم ارایه الگوی ساماندهی مناسب (حسین زاده، ایدر، و ساکی، ۱۳۹۰) برای زندگی عشایری است. از این رو ضرورت تغییر دیدگاه‌های توسعه در مناطق عشایری برمبنای استفاده از نقاط قوت فرهنگی و سنتی برای غلبه بر مشکلات اقتصادی یاد شده و متنوع ساختن گزینه‌های معیشت احساس می‌شود. گردشگری، یکی از گزینه‌های معیشتی پیش روی جامعه عشایری است. مناطق عشایری با ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی خود می‌توانند یکی از مقصدهای جذاب بویژه برای گردشگران پست مدرن (Munt, 1994) باشد. توسعه گردشگری عشایری شاید بتواند با ارائه یک گزینه معیشتی مکمل به حفظ شیوه زندگی این جوامع و منابع طبیعی مرتبط با آن کمک کند (فاضل بخششی و امیری، ۱۳۹۵).

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی چارچوب تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده ایل قشقایی است. این مقاله، از دو جهت به بسط مبانی نظری تاب‌آوری کمک خواهد کرد. اول این‌که، چارچوب تاب‌آوری معیشت بر اساس نظریه چشم‌انداز ثبات ارائه خواهد شد با این هدف که به ملموس ساختن مفاهیم انتزاعی این نظریه کمک کند. چارچوب مذکور اگرچه در ارتباط با معیشت عشایر کوچنده ارائه می‌شود (که پیش از این مغفول مانده‌است) اما برای سایر الگوهای معیشت نیز قابل کاربرد خواهد بود. دوم، بر اساس دانش محققین، تاکنون پژوهشی تاب‌آوری این الگوی معیشت را مورد مطالعه قرار نداده‌است، این پژوهش با شناسایی عوامل ایجادکننده‌ی ظرفیت تاب‌آوری معیشت

عشایر کوچنده به برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا ویژگی‌ها و چالش‌های منحصر به آن را مدنظر قرار دهند. در نهایت، ارتقای تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده موجب می‌شود که نه تنها این الگوی معیشت به عنوان میراث قومی کشور ما دوام بیشتری داشته باشد، بلکه به متنوع‌تر شدن محصول گردشگری کشور و استان فارس نیز کمک خواهد کرد.

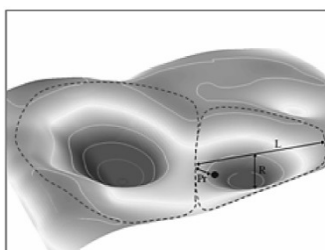
### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

#### تاب‌آوری

تاب‌آوری مهندسی<sup>۶</sup>، ساده‌ترین مفهوم از تاب‌آوری است: توانایی سیستم برای بازگشت به وضعیت پایدار یا نقطه تعادل پس از بروز آشفتگی. اما این تعریف برای تمام سیستم‌ها مناسب نیست (Bec, 2016). برای مثال، برای سیستم اکولوژیکی تنها یک وضعیت باثبات وجود ندارد (Walker et al., 2004). به همین دلیل نظریه تاب‌آوری به سمت تفسیرهایی پیش‌رفته‌است که مفاهیمی چون گذار، سازگاری، یادگیری، خودساماندهی و پذیرش تغییر را در برمی‌گیرند، به طوری که بتوان آن را برای سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی و به ویژه، در ارتباط با جامعه محلی به کار برد (Bec, 2016). تاب‌آوری سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی را از طریق مفهوم «قلمروها یا حوزه‌های جاذبه»<sup>۷</sup> می‌توان توضیح داد. قلمرو جاذبه، یعنی فضایی<sup>۸</sup> که سیستم تمایل دارد در نبود آشفتگی‌های شدید در آن بماند. برای هر سیستم ممکن است بیش از یک قلمرو جاذبه وجود داشته باشد. افرادی که در یک سیستم زندگی می‌کنند بعضی از قلمروهای جاذبه را مطلوب و برخی را نامطلوب می‌دانند. «چشم‌انداز ثبات»<sup>۹</sup> عبارتست از قلمروهای جاذبه مختلفی که سیستم اشغال می‌کند و مرزهای بین آن‌ها. تاب‌آوری یعنی این که سیستم در مواجهه با آشفتگی‌ها بتواند درون مرزهای قلمرو جاذبه باقی بماند (Walker et al., 2004; Gallopín, 2006). تاب‌آوری سیستم چهار جنبه کلیدی دارد: «مقاومت»<sup>۱۰</sup>، «گستره»<sup>۱۱</sup>، «تزلزل»<sup>۱۲</sup> و «پانارشی»<sup>۱۳</sup> (Walker et al., 2004) (شکل ۱).

«مقاومت» (R)، یا عمق فضا، معیار راحتی یا دشواری تغییر دادن سیستم است. هر چه قدر قلمرو عمیق‌تر باشد، نیروی بیشتری برای خروج سیستم از قلمرو جاذبه مورد نیاز است. «گستره» (L) یا پهنای قلمرو یعنی تعداد وضعیت‌هایی که سیستم می‌تواند

داشته باشد، پیش از آن که توانایی ترمیم خود را از دست بدهد. در صورتی که سیستم گزینه‌های متنوعی برای پاسخ دادن و قابلیت زیادی برای خودساماندهی داشته باشد گستره قلمرو آن وسیع‌تر است. «تزلزل» (Pr) به این معناست که وضعیت فعلی سیستم چه قدر به آستانه‌ای که فراتر از آن ترمیم امکان‌پذیر نیست، نزدیک است. اگر نتوان رژیم (چشم‌انداز ثبات) فعلی را حفظ کرد، گذار<sup>۱۴</sup> رخ می‌دهد (Walker et al., 2004; Becken, 2013).

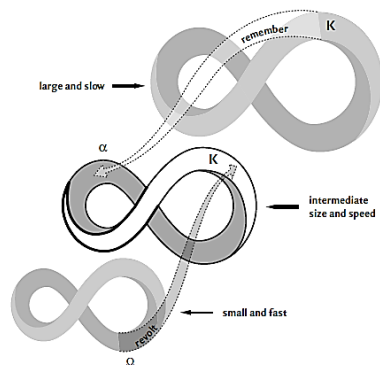


شکل ۱- مدل سه بعدی چشم‌انداز ثبات با دو قلمرو جاذبه

منبع: (Walker et al., 2004; Becken, 2013, p. 510)

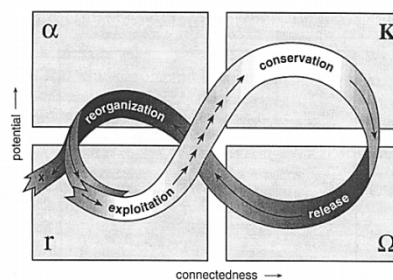
«چرخه انطباق<sup>۱۵</sup>» ماهیت تکاملی مفهوم تاب‌آوری را توضیح می‌دهد (Cochrane, 2012; Davoudi et al., 2010) (شکل ۲). در دو فاز بسیج منابع<sup>۱۶</sup> ( $\Gamma$ ) و حفاظت<sup>۱۷</sup> (K)، ساختارها و کارکردهای سیستم شکل می‌گیرند، توسعه و تحکیم می‌یابند. با تداوم فاز حفاظت، سیستم در مقابل شوک‌های خارجی انعطاف کم‌تری خواهد داشت. در نهایت، با بروز تنش، فاز رهایی<sup>۱۸</sup> ( $\Omega$ ) روی می‌دهد و سیستم به فاز بازمهندسی<sup>۱۹</sup> ( $\alpha$ ) وارد شود (Walker et al., 2004; Folke, 2006; Davoudi et al., 2012). «پانارشی» مجموعه‌ای از چرخه‌های انطباق را در برمی‌گیرد که در سطوح<sup>۲۰</sup> گوناگون در قالب سلسله مراتب تو در تو در حال تعامل هستند (Panarchy, n.d) (شکل ۳) و دو رابطه «آشوب»<sup>۲۱</sup> و «یادآوری»<sup>۲۲</sup> بین آن‌ها برقرار است: فرآیندهای تخریب‌کننده‌ای که در فاز رهایی در یک سطح اتفاق می‌افتد می‌تواند سطح بالاتر را تحت تأثیر قرار دهد (آشوب). از سوی دیگر، حافظه انباشته شده در یک سطح می‌تواند بازمهندسی در سطح دیگر را تسهیل کند (یادآوری) (Holling, 2001; Berkes, Colding, & Folke, 2003; Folke, 2006; Allen, 2014; Angeler, Garmestani, Gunderson, & Holling, 2014). بنابراین، تاب‌آوری سیستم علاوه

بر مقاومت و حفظ ساختارهای موجود، با فرصت‌هایی مرتبط است که آشفتگی‌ها برای ساختاردهی مجدد سیستم (در عین حفظ رژیم فعلی) ایجاد می‌کنند (Folke, 2006).



شکل ۳- پانارشی

منبع: (Berkes et al., 2003, p. 18)



شکل ۲- چرخه انطباق

منبع: (Berkes et al., 2003, p. 13; Cochrane, 2010, p. 173)

علی‌رغم مطالعات انجام شده، مفهوم تاب‌آوری کماکان مفهومی نظری است. برخی محققان پیشنهاد می‌کنند که برای تبدیل مفاهیم نظری تاب‌آوری به مفاهیمی قابل کاربرد، از جایگزین‌هایی<sup>۲۳</sup> استفاده شود (Berkes & Seixas, 2005; Marschke & Berkes, 2006). به بیان کارپنتر، وستلی و ترنر<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۵)، تاب‌آوری یک سیستم اجتماعی اقتصادی را می‌توان از ویژگی‌های سیستم استنباط کرد. برای این منظور، بکن<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۳) اولین بار چارچوب چشم‌انداز ثبات را در ارتباط با مقصدهای گردشگری در مواجهه با تغییرات اقلیمی به کار برد.

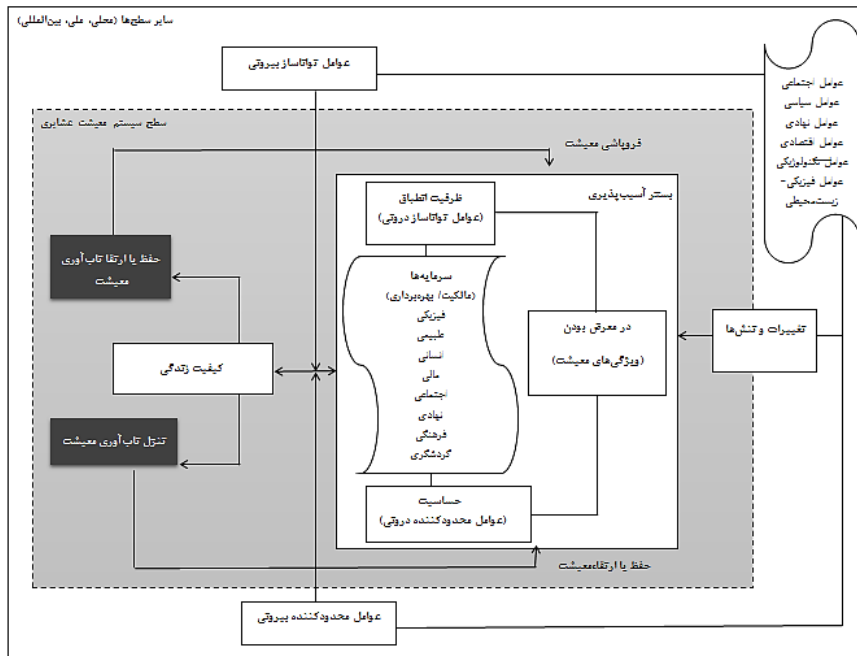
### تاب‌آوری معیشت

تاب‌آوری معیشت عبارتست از «ظرفیت معیشت‌ها برای کاستن از فشار تنش‌ها و آشفتگی‌ها، در عین حفظ ویژگی‌ها و کارکردهای ضروری معیشت یا بهبود آن‌ها» (Speranza et al., 2014, p. 111). در مقایسه با مفهوم «معیشت‌های پایدار»<sup>۲۶</sup>، تاب‌آوری بر ظرفیت کنش‌گران برای استفاده از آشفتگی بعنوان فرصتی برای گذار به وضعیت مطلوب‌تر (تغییرپذیری) تأکید دارد (Tanner et al., 2015; Rampini, 2016).

اگرچه از سال ۲۰۰۱ پژوهش‌هایی در حوزه‌ی تاب‌آوری معیشت انجام شده، اما توجه به این موضوع از کم‌تر از یک دهه پیش افزایش یافته‌است (Speranza et al., 2014; Sok & Yu, 2015; Thulstrup, 2015; Saxena, Guneralp, Bailis, Yohe, & Oliver, 2016; Stanford, 2017; Wiryawan, Bengen, Febriamansyah, & Haluan, 2017; Quandt, 2017). علی‌رغم اهمیت «استعاره چشم‌انداز ثبات»، این نظریه تاکنون برای مفهوم‌سازی تاب‌آوری معیشت به کار نرفته‌است. از منظر بستر پژوهش، مطالعات پیشین سیستم معیشت عشایری را مورد توجه قرار نداده‌اند. این مطالعات اغلب تاب‌آوری الگوی معیشت جوامع روستایی یا وابسته به منبع یا فعالیت‌های معیشتی مانند دامداری و چوپانی، ماهیگیری و زراعت را مطالعه کرده‌اند. این در حالیست که معیشت عشایر کوچنده به لحاظ مشخصه‌های خود شامل ساخت اجتماعی قبیله‌ای، اتکای معاش به دامداری و شیوه‌ی زندگی شبانی مبتنی بر کوچ (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۱) ویژگی‌هایی متمایز دارد. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام شده را می‌توان از منظر تمرکز بر تاب‌آوری ویژه<sup>۲۷</sup> یا کلی<sup>۲۸</sup> از یکدیگر متمایز کرد. تاب‌آوری ویژه با جنبه‌های بخصوصی از سیستم که در معرض تنش‌ها یا منابع خاصی قرار می‌گیرند در ارتباط است. در حالی که تاب‌آوری کلی، به تاب‌آوری تمام بخش‌های سیستم در مقابل همه انواع شوک‌ها و تنش‌ها می‌پردازد (Ross & Berkes, 2013). پژوهش حاضر در پی شناخت تاب‌آوری کلی معیشت بوده‌است. مطالعات انجام شده در زمینه تاب‌آوری معیشت در حوزه‌ی گردشگری انگشت شمارند. همانند پژوهش حاضر، گردشگری در این پژوهش‌ها، بعنوان یکی از گزینه‌های معیشتی مکمل گنجانده شده‌است (Hanazaki, Berkes, Seixas, & Peroni, 2013; Forster, Lake, Watkinson, & Gill, 2014; Prado, Seixas, & Berkes, 2015; Sarkki et al., 2016). در ادامه، چارچوب مفهومی پژوهش تشریح می‌شود.

### چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی تاب‌آوری معیشت بر مبنای استعاره «چشم‌انداز ثبات» (Walker et al., 2004) و با مرور وسیع ادبیات حوزه تاب‌آوری جامعه و معیشت ارائه شده‌است (شکل ۴). عوامل ایجاد کننده تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده بر مبنای این چارچوب مفهومی شناسایی شده‌است.



شکل ۴- چارچوب مفهومی تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده منبع: نگارندگان

بر اساس این چارچوب، تغییرات و تنش‌هایی که در سطوح خارج از سیستم معیشت عشایری و در سطح معیشت عشایری به وقوع می‌پیوندد می‌تواند آن‌را تحت تأثیر قرار دهد. اما این که این تهدیدها تا چه میزان سیستم را با چالش مواجه می‌کند، بستگی به عواملی دارد که از آن‌ها تحت عنوان «مقاومت» و «گستره» نام برده شد. در این چارچوب، مفهوم «مقاومت» با دو مولفه «در معرض بودن»<sup>۲۹</sup> و «حساسیت»<sup>۳۰</sup> نشان داده شده‌است. به بیان آدگر<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۶، ص. ۲۷۰)، در معرض بودن یعنی «ماهیت و میزانی که یک سیستم تنش زیست‌محیطی و اجتماعی-سیاسی را تجربه می‌کند» و حساسیت یعنی «میزانی که سیستم تحت تاثیر آشفتگی‌ها قرار می‌گیرد یا تغییر می‌کند». در یک سیستم معیشت «ویژگی‌های معیشت» تعیین می‌کند که تنش‌ها و تغییرات به چه میزان بر سیستم تأثیر می‌گذارند («در معرض بودن»). بعلاوه، این که جامعه چه قدر بتواند این تهدیدها را مدیریت کند به ویژگی‌های جامعه بستگی دارد. در صورتی که جامعه مجموعه‌ای از سرمایه‌ها را در اختیار نداشته باشد، توان و ظرفیت لازم



برای مقابله با تهدیدها را نخواهد داشت («عوامل محدودکننده درونی») و این سبب «حساسیت» آن در مقابل تنش‌ها شود. در مقابل، وجود سرمایه‌ها بعنوان «عوامل تواناساز درونی» نشان‌دهنده «ظرفیت انطباق»<sup>۳۲</sup> جامعه است. ظرفیت انطباق برای مفهوم‌سازی «گستره» به کار رفته‌است. ظرفیت انطباق یعنی توانایی سیستم برای سازگارشدن (Smit & Wandel, 2006). «عوامل تواناساز درونی» جامعه را قادر می‌سازند که برای سازگار شدن با تنش‌ها و تغییرات، تغییراتی در شیوه زندگی خود ایجاد کند.

«در معرض بودن»، «حساسیت» و «ظرفیت انطباق» مؤلفه‌های آسیب‌پذیری بشمار می‌آیند (Adger, 2006). در نهایت، ترکیب «بستر آسیب‌پذیری» معیشت، «عوامل تواناساز بیرونی»، «عوامل محدودکننده بیرونی» که در سطوح دیگر وجود دارد («پانارشی») و «کیفیت زندگی» ادراک شده می‌تواند سبب حفظ و ارتقا تاب‌آوری سیستم معیشت یا تنزل تاب‌آوری سیستم معیشت شود. در این چارچوب، «کیفیت زندگی» بعنوان نمود «تزلزل» به کار رفته‌است. ارزیابی تاب‌آوری مستلزم تعیین ویژگی‌های مطلوب سیستم است. برخی محققان مفهوم رفاه یا کیفیت زندگی را برای ارزیابی تاب‌آوری به کار برده‌اند (Marschke & Berkes, 2006; Akamani, 2012)؛ زیرا کاهش کیفیت زندگی را می‌توان معیاری برای نزدیک شدن به آستانه‌های بحرانی و تغییر رژیم در نظر گرفت. در صورتی که ساکنین از کیفیت زندگی خود رضایت نداشته باشند، ممکن است به سمت تغییر این شیوه‌گرایش پیدا کنند. در صورتی که سیستم معیشت تاب‌آور باشد یا بتواند ظرفیت تاب‌آوری خود را بهبود دهد، در مقابله با تنش‌ها خود را بازسازی و احیا خواهد کرد؛ در غیراین صورت، در مقابل تنش‌ها تسلیم خواهد شد و به سمت قلمروهای جاذبه نامطلوب (کیفیت زندگی پایین) یا تغییر رژیم (سیستم‌های معیشت جایگزین) پیش خواهد رفت.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، از منظر روش‌شناسی کیفی است و با استفاده از روش مطالعه موردی انجام شده‌است. داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و مرور منابع آرشیوی گردآوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش عبارت بودند از جوامع عشایری کوچنده، مطلعین کلیدی (شامل کارکنان اداره کل امور عشایر استان فارس، معلمین عشایری و مطلعین عشایری). مصاحبه‌ها در بازه زمانی از ابتدای آبان تا پایان آذر ماه

۱۳۹۶ انجام شد. نمونه‌گیری به منظور انتخاب میدان مطالعه با روش هدفمند انجام شد. دو تیره هاشمی (از طایفه کشکولی بزرگ) و هیبت‌لو (از طایفه شش بلوکی) از ایل قشقایی به عنوان میدان مطالعه انتخاب شدند. بیش‌ترین تعداد عشایر ایران در استان فارس زندگی می‌کنند (۱۱،۱۴٪) و ایل قشقایی دومین ایل بزرگ کشور و بزرگ‌ترین ایل استان فارس است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). علت انتخاب دو تیره هاشمی و هیبت‌لو این است که خانوارهایی از این دو تیره در زمینه گردشگری مشغول به فعالیت هستند<sup>۳۳</sup>. برای نمونه‌گیری از درون میدان، خانوارهایی که محقق به آن‌ها دسترسی داشت انتخاب شدند. مصاحبه‌ها هم با خانواده‌هایی که در گردشگری فعالیت داشتند و هم خانواده‌هایی که در گردشگری مشغول به فعالیت نبودند صورت گرفت.

نمونه‌گیری از کارکنان اداره کل امور عشایر استان فارس، با روش هدفمند (گلوله‌برفی) انجام شد. معیار انتخاب نمونه‌ها، داشتن حداقل پنج سال سابقه اجرایی مرتبط در سازمان بود. برای معلمین عشایری نیز از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. معیار انتخاب نمونه‌ها، تعلق به جامعه عشایری کوچنده (ایل قشقایی) و داشتن حداقل پنج سال سابقه تدریس در مقطع ابتدایی مدارس عشایری سیار بود. مطلعین عشایری نیز با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و افرادی بودند که دو تیره هیبت‌لو و هاشمی تعلق داشتند و در زمینه گردشگری مشغول به فعالیت بودند<sup>۳۴</sup>. به منظور رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۰ نفر از اعضای جامعه عشایری<sup>۳۵</sup>، ۱۰ نفر از کارکنان اداره کل امور عشایر استان فارس، ۱۰ نفر از معلمین عشایری و ۲ نفر از مطلعین عشایری انجام شد. هر مصاحبه به طور میانگین چهار و پنج دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. سوالات مصاحبه عشایر عبارت بودند:

مشکلات زندگی کوچ‌نشینی که ممکن است باعث شود نتوانید به این شیوه زندگی ادامه دهید، چه چیزهایی هستند؟، چرا این مشکلات روی زندگی کوچ‌نشینی اثر می‌گذارند؟، فکر می‌کنید عشایر از چیزهایی می‌توانند کمک بگیرند تا با این مشکلات مقابله کنند؟، عشایر چه چیزهایی باید داشته باشند که حاضر باشند به زندگی کوچ‌نشینی ادامه بدهند؟

سوالات تا حد امکان به زبان ساده مطرح شد و در صورت نیاز سوالات پیگیری مورد استفاده قرار گرفت. محتوای سوالات مصاحبه با مطلعین کلیدی نیز مشابه با مصاحبه

عشایر بود. برای بهبود عملکرد مشارکت‌کننده، محقق پیش از انجام مصاحبه‌های اصلی چندین بار به جوامع عشایری مختلف رفت و با آنان گفتگو کرد. این کار به او کمک کرد تا شناخت اولیه از خلق و خوی جامعه عشایری پیدا کند و با برنامه روزانه زندگی آن‌ها آشنا شود تا بتواند پروتکل انجام مصاحبه‌ها را تنظیم نماید. بعلاوه، محقق منابع مردم‌شناسی در مورد کوچ‌نشینان و به ویژه ایل قشقایی را مطالعه کرد. برای ورود به میدان از مطلعین عشایری (دروازه بانان) کمک گرفت و پیش از عزیمت به مناطق عشایری در مورد شیوه طرح سوالات و گفتگو با جامعه عشایری و سؤالات حساسیت برانگیز از آنان راهنمایی خواست. برای تسهیل در انجام کار و جلب اعتماد خانواده‌های عشایر، این افراد در زمان انجام مصاحبه محقق را همراهی می‌کردند. محقق هنگام ورود به هر خانه عشایری به آن‌ها سوغاتی تقدیم کرد؛ این کار به شکستن یخ و ایجاد حس مثبت اولیه کمک زیادی می‌کرد. هنگام انجام مصاحبه‌ها بنا به ترجیح پاسخ‌دهندگان، گفتگوها به زبان فارسی یا ترکی انجام شد. به منظور کاهش دادن فاصله با جامعه محلی، محقق با آن‌ها به صرف غذا پرداخت، در انجام برخی کارها مانند شستشوی ظروف به آن‌ها کمک کرد و شب در چادرهای عشایری اقامت کرد. جامعه آماری شامل گروه‌های مختلف بود و در کنار آن، منابع آرشیوی مطالعه شد (سازگاری بیرونی یا زاویه‌بندی داده‌ای). هم‌چنین، داده‌ها پس از تحلیل به تأیید مطلعین عشایری رسید (تأیید روایی از سوی اعضا). تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک<sup>۳۶</sup> و با رویکرد قیاسی انجام شد. متن پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها، به همراه یادداشت‌های میدانی و یادداشت‌برداری‌های انجام شده از منابع آرشیوی با انجام کدگذاری باز و از طریق مقایسه مستمر تحلیل شدند. به این ترتیب که ابتدا به هر یک از گویه‌های متنی یک مفهوم اختصاص داده شد (کدبندی سطح اول). سپس ۶۹ مفهوم استخراج شده، با توجه به چارچوب مفهومی پژوهش در قالب هفت تم طبقه‌بندی شدند (کدبندی سطح دوم یا متمرکز). مفاهیم اولیه «مبتنی بر داده‌ها» و تم‌ها «مبتنی بر نظریه» (Braun & Clarke, 2006) شکل گرفتند (جدول ۲).

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱ نمونه کدگذاری انجام شده برای بخشی از یک مصاحبه را نشان می‌دهد. در ادامه، تم‌ها و مفاهیم به اختصار تشریح می‌شود.

جدول ۱- مفاهیم و تم‌های شناسایی شده در متن یک نمونه مصاحبه

تم	مفاهیم	نقل قول
عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی	امکانات بهداشتی و درمانی	ما بهداشت سیار نداریم و از همه چی برامون واجب‌تره.
تنش‌ها و تغییرات تنش‌ها و تغییرات	خشکسالی و کمبود منابع آب افزایش هزینه نهاده‌های دامی	در خشکسالی عشایر احتیاج به هزینه داره که بده جو و علوفه... به ماشین‌هایی که علوفه رو تا اینجا میارن هم باید کرایه داد.
عوامل تواناساز بیرونی	پیشرفت‌های فناوری	یکی از تغییرات گوشی هست. من می‌خواستم از اینجا برم کازرون. اگر ماشین بگیرم بیاد یا نیاد. می‌رفتم وسایل می‌گرفتم می‌آوردم. یا اگر کسی مریض می‌شد. الان که گوشی هست می‌تونم توی شیراز با بهمن تماس بگیرم که آقا من مریض بیا تا اینجا. این رسانه‌ها برای ما خیلی خوب شده.
عوامل محدودکننده درونی	عدم دسترسی به بازارها	ما دام رو به چوب دارها می‌فروشیم. میدان شیراز می‌شه مستقیم فروخت ولی چون دور هست همین جا میدیم به دلال‌ها.
عوامل محدودکننده درونی	عدم تنوع منابع درآمدی	ما فرصت نداریم و صنایع دستی رو برای مصرف خودمون درست می‌کنیم.
ویژگی‌های معیشت	وابستگی به طبیعت	اصلش زدن بارونه. عشایر بستگی داره به آب و علوفه. اگر بارون بزنه علوفه در بیاد. احتیاج ما حقیقت کم هست.
عوامل تواناساز بیرونی	بیمه	یکی از کمک‌هایی به عشایر که الان تهیه شده و شرکت کردن بیمه عشایر بود... الان سه چهار سال هست که این بیمه رو گذاشتن برای عشایر... یه امیدی داریم. به اضافه امیدی که داریم ممکنه دکتری بریم جراحی بشه ولی قبلا این جور چیزایی اصلا نبود. دام هم بیمه هست.
عوامل تواناساز درونی	همیاری	... اگر کسی مالش از بین رفته باشه بوسیله سیل، بوسیله زلزله بقیه یه مرام خاصی دارن که یه دغه یکی میاد یه کهره بهش می‌ده یکی بهش بز می‌ده. من که به اصطلاح اینجا شورا هستم یک دوری میزنم داخل عشایر می‌گم آقا فلائی بدبخت شده... خب اون می‌گه من یک کهره‌ای می‌دم یه بز می‌دم...
عوامل تواناساز درونی	قابلیت جذب دانش	ده دوازده سالی که گردشگرا به منزل ما تشریف میارن... ما حقیقت خیلی چیزها هست که از دستمون هم ساخته بود ولی ناگاه بودیم نمی‌دونستیم چی هست. مثلا نگهداری محیط زیست، سیگار می‌کشیدیم می‌انداختیم توی صحرا، پوست هندوانه می‌انداختیم توی صحرا، آشغال رو می‌انداختیم. الان یکی از چیزهایی که از این‌ها یاد گرفتیم بهداشت هست الان کلی کمک برامون شده. الان توی چادر سیاه کیسه زباله می‌بندیم آشغال‌ها رو توش می‌ریزیم و می‌بریم جایی که گل نباشه می‌سوزونیم... مثلا رسم‌هایی این‌ها دارن مثلا گوسفند چروندن یک چیز ساده‌ای هست. مثلا ممکنه ما این کار ساده رو مشکل انجام بدیم ولی اون‌ها یک راهی نشون می‌دن که ساده‌تر از این هست.

منبع: داده‌های مصاحبه

## تغییرات و تنش‌ها

بروز برخی تغییرات ناشی از روندهای سیاسی-نهادی، اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی موجب بروز تنش در معیشت عشایری شده و آن را به سوی گذار به یکجانشینی سوق می‌دهد. یکی از این روندهای مهم، نوسازی بوده‌است. روی کار آمدن حکومت پهلوی و شکل‌گیری دولت مرکزی مقتدر و یکپارچه و ایجاد نهادهای دولت‌مدرن موجب دگرگونی در بسیاری از روابط جامعه سنتی (جمعه‌پور، ۱۳۹۵) و بالطبع کاهش قدرت و استقلال سران ایلات و عشایر شد (آبراهامیان، ۱۳۹۳). بعلاوه، اجرای برنامه اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم با هدف جایگزین کردن نظام سنتی اشرافیت زمین‌داری با بروکراسی مرکزی و محلی (Faghihi, 1986)، اگرچه موجب فروپاشیدن نظام ارباب‌رعیتی شد، اما به زودی به جای حرکت در مسیر توسعه روستایی جنبه سیاسی پیدا کرد (جمعه‌پور، ۱۳۹۵). علاوه بر آن اصل ملی شدن جنگل‌ها و مراتع با هدف کاهش دست‌اندازی به منابع ملی اجرا شد. پس از اجرای این اصول، بسیاری از خوانین و کلانتران و اعضا بعضی تیره‌ها به دلیل نفوذ خود یا با پرداخت رشوه توانستند اراضی و چراگاه‌های خوب را تصرف کنند. برخی از روستاییان نیز مراتع را زیر کشت بردند تا بعنوان زمین زراعی تحت مالکیت خود درآورند. این تغییرات روی هم رفته موجب کاسته شدن از قلمروهای عشایری شد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴). یکی دیگر از روندهای مهم، بروز خشکسالی‌های پی‌در پی بوده که کشور را با تنش آبی مواجه کرده‌است. این روند، به همراه چرای بی‌رویه، عدم رعایت تقویم کوچ و تجاوز به مراتع سبب فقیر شدن مراتع شده‌است. از سوی دیگر، توسعه موجب تخریب زیست‌بوم‌های عشایری گردیده‌است. از دیگر موارد، بروز تورم بوده که سبب شده‌است تهیه ملزومات اساسی زندگی برای آن‌ها گران تمام شود؛ تحریم‌های اقتصادی نیز از سویی در بروز تورم نقش داشته و از سوی دیگر، صادرات صنایع دستی را با مشکل مواجه کرده‌است. علاوه بر این به دلیل فقیر شدن پوشش گیاهی مراتع، عشایر ناچارند تا در برخی مقاطع زمانی تعلیف را به صورت دستی انجام دهد، که این موضوع به همراه هزینه‌های چون کرایه حمل علوفه، حمل و نقل دام و تهیه دارو موجب بالارفتن هزینه نهاده‌های دامی شده‌است.

در ارتباط با روندهای اجتماعی، جذابیت‌های سبک زندگی مدرن، موجب تمایل

نسل جوان جامعه عشایری به زندگی در شهر شده است. یکی دیگر تنش‌ها، تجاوز به مراتع آن‌هاست. مراتع عشایر در موقع کوچ مورد تجاوز مردم شهری و روستا قرار می‌گیرد. بعلاوه، به دلیل از بین رفتن ایل‌راه‌ها، عشایر در حین کوچ ناچارند از کنار زمین‌های زراعی عبور کنند و ورود دام به این زمین‌ها سبب بروز درگیری بین آن‌ها و کشاورزان می‌شود.

### عوامل محدودکننده بیرونی

عوامل محدودکننده بیرونی، می‌توانند از ظرفیت تاب‌آوری معیشت عشایری بکاهند. برای مثال، ضعف در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی که دلایلی چون نگاه بالا به پایین در برنامه‌ریزی و عدم آشنایی متولیان امر با ویژگی‌های معیشت عشایری دارد و ضعف در اجرای برنامه‌ها موجب می‌شود که بسیاری از عشایر بر این باور باشند که دولت به اندازه کافی به مشکلات و نیازهای آن‌ها توجه نمی‌کند. کمبود یا به هنگام نبودن اعتبارات تخصیص یافته برای اجرای برنامه‌ها نیز موضوعی است که توسط کارکنان اداره کل امور عشایر استان فارس ذکر شده است. بعلاوه، در برخی موارد قوانین و نهادهای موجود با الگوی معیشت کوچندگی سازگار نیست؛ برای مثال، می‌توان به مشکلات عدم امکان تهیه وثیقه برای دریافت تسهیلات بانکی، عدم امکان پیگیری شکایات قضایی به دلیل کوچ، یا مشکلات مرتبط با بیمه دام اشاره کرد. از دید عشایر دولت هنگام ارائه خدمات رفاهی جامعه عشایری را نادیده می‌گیرد. هم‌چنین، عدم دسترسی عشایر به بازارهای فروش و عدم توانایی پرواربندی دام موجب می‌شود که قیمت پذیر باشند و نسبت به ثبات قیمت محصولات خود اطمینان نداشته باشند. بعلاوه، به بیان برخی از مطلعین واردات فرآورده‌های دامی و صنایع دستی به معیشت عشایری لطمه وارد می‌کند. در برخی جامعه‌های عشایر که پذیرای گردشگران هستند، درآمد حاصل در جامعه توزیع نمی‌شود، زیرا عمده منافع نصیب برگزارکنندگان تورها می‌شود.

### عوامل تواناساز بیرونی

جامعه عشایری با بهره‌گیری از برخی عوامل و منابعی که در سطوح فرادست یا موازی معیشت عشایری وجود دارد، می‌تواند با بعضی مشکلات خود مقابله کند. یکی از این فرصت‌ها، توجه

دولت به پتانسیل‌های این جامعه برای توسعه گردشگری است. گردشگری عشایری، در آیین‌نامه ساماندهی عشایر کوچنده (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۱)، برنامه راهبردی ساماندهی عشایر استان فارس در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ (اداره کل امور عشایر استان فارس، ۱۳۸۹)، ماده ۱۱ «قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)»، «صورتجلسه مورخ ۹۵/۵/۳۰ شورای عالی عشایر» (۱۳۹۵)، و «طرح ویژه ارایه خدمات فرهنگی و مذهبی به جامعه عشایری» (۱۳۹۵) مورد توجه قرار گرفته‌است. بعلاوه، شبکه تعاونی‌های عشایری کشور، با هدف حمایت از تولیدکنندگان و حذف واسطه‌ها شکل گرفته‌است.<sup>۳۷</sup> هم‌چنین، دولت برخی خدمات پشتیبانی شامل آبرسانی سیار با تانکر، بهسازی چشمه‌ها، حفر و تجهیز چاه، راه‌سازی، راه‌گشایی و تأمین سوخت خانوارها را به عشایر ارائه می‌دهد و سایر دستگاه‌های اجرایی نیز در حیطه وظایف خود ملزم به خدمت‌رسانی به عشایر هستند (اداره کل امور عشایر استان فارس، ۱۳۸۹). موسسه توسعه پایدار و محیط‌زیست (سنستا) یک نهاد غیردولتی است که اولین بار صندوق معیشت پایدار تیره کوهی را تأسیس کرد (اداره کل امور عشایر استان فارس، ۱۳۸۹) و طرح «دستیابی به معیشت پایدار در قلمرو عرفی عشایر کوچنده: برنامه‌ریزی و اجرای اکوتوریسم جامعه بنیاد با تأکید بر گسترش قرق‌های بومی (ICCAS) در قلمرو عرفی عشایر کوچنده تیره هیبت‌لو از طایفه شش‌بلوکی، ایل قشقای» را اجرا نموده‌است (فاضل بخششی و امیری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷).

از جمله منابع اقتصادی، خدمات بیمه شامل بیمه اجتماعی عشایر و روستاییان<sup>۳۸</sup>، بیمه سلامت<sup>۳۹</sup> و بیمه دام<sup>۴۰</sup> و هم‌چنین تسهیلات اعطایی از طرف دولت برای خرید علوفه و پرواربندی دام است. با این حال، برخی از خانواده‌های عشایر از وجود خدمات بیمه آگاهی ندارند. در مورد بیمه دام هم، برخی از عشایر به مشکلات مرتبط با عدم تناسب قوانین و نهادها با ساختار معیشت عشایری اشاره کردند. در ارتباط با تسهیلات دولتی نیز عشایر انتظار دارند این وام‌ها در زمان مناسب به دست آن‌ها برسد تا ناچار نشوند حیوانات خود را زودتر از موعد بفروشند. از دیگر منابع اقتصادی، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی است<sup>۴۱</sup>. به گفته مطلعین در حال حاضر برخی زنان عشایری عضو پیگیر دریافت وام برای فعالیت در زمینه بوم‌گردی و صنایع دستی هستند. عشایر می‌توانند در ازای پرداخت هزینه از پس‌چر مزارع یا باغ‌های روستاییان استفاده کنند یا در عوض، کشاورزان کود دام‌های عشایر در مزارع را مورد استفاده قرار

می‌دهند. به بیان دیگر، عشایر از منابع یک سیستم معیشتی دیگر استفاده می‌کنند تا با تنش کمبود علوفه، مقابله کنند. قرار گرفتن قلمروهای عشایری در استان فارس بعنوان یکی از مقصدهای عمده گردشگری کشور نیز از جمله فرصت‌ها برای جامعه عشایری است. به گفته برخی از عشایر و مطلعین، پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه فناوری‌های ارتباطی، حمل و نقل، تأمین برق و انرژی‌های نو می‌تواند زندگی عشایر را تسهیل کند. برای مثال، می‌توانند با سرعت بیش‌تری سرعت دام را اطلاع‌رسانی کنند؛ یا از طریق تماس با بازارهای مبادله از قیمت‌ها کسب اطلاع کنند.

### ویژگی‌های معیشت

کوچ عشایر برای یافتن مراتع غنی و منابع آب برای دام‌ها، موجب ارتباط تنگاتنگ معیشت آنان با طبیعت شده‌است؛ این امر معیشت آنان را به شدت در مقابل تغییرات منابع آب، علوفه مرتعی و شرایط آب و هوایی آسیب‌پذیر کرده‌است. بعلاوه، از آن‌جا که اغلب فعالیت‌های معیشتی توسط اعضای خانواده‌ها انجام می‌شود، مهاجرت می‌تواند ظرفیت تولید آن‌ها را کاهش دهد.

### عوامل محدود کننده درونی

ضعف در برخی منابع موجب افزایش حساسیت عشایر در مواجهه با تنش‌ها می‌شود. برای مثال، به بیان برخی از مصاحبه‌شوندگان با از بین رفتن قشربندی اجتماعی و نظام سیاسی سنتی، جوامع عشایری در زمینه‌هایی چون اجرای مقررات عرفی و برقراری نظم اجتماعی، تأمین امنیت، دفاع از قلمرو و تنظیم تقویم کوچ با مشکلاتی مواجه شده‌اند. بعلاوه، اگرچه شوراها و عشایری جایگزین ساختار قدرت ایلی شده‌اند، هم‌چنان صدای عشایر در تصمیم‌گیری‌ها شنیده نمی‌شود. عدم آشنایی بسیاری از عشایر با قوانین و سازمان‌های متولی، از دیگر نقاط ضعف این جامعه است.

در زمینه منابع اقتصادی، عدم تنوع فعالیت‌های معیشتی و اتکا به فروش دام زنده (به دلایلی چون کمبود نیروی کار، وقت و منابع آب)، فاصله از مراکز مبادله و بضاعت مالی اندک آنان را در مواجهه با تنش‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.

بر اساس مشاهدات میدانی، خانوارهای عشایری به صورت پراکنده و برخی در



مناطق صعب‌العبور مستقر شده‌اند؛ که موجب دشوار بودن خدمات‌رسانی می‌شود و دسترسی آنان به امکانات و تسهیلات را سخت می‌کند.

چرای بیش از ظرفیت مرتع و عدم رعایت تقویم کوچ به دلایلی چون فروپاشی نظام سنتی مدیریتی، تغییرات شرایط آب و هوایی، کوچ ماشینی و دستیابی سریع‌تر به چراگاه‌ها موجب ضعف شدن پوشش گیاهی مراتع و بروز تعارض میان جوامع عشایری می‌گردد. هم‌چنین، رعایت نکردن تقویم کوچ، خدمت‌رسانی به عشایر را دشوار می‌سازد. عشایر در مقایسه با گذشته انسجام کم‌تری دارند. برای مثال، برای پیگیری مشکلات با دیگران همکاری نمی‌کند. بعلاوه، بسیاری از افراد جامعه عشایری واقعیت‌های محیط کلان و راه حل مشکلات خود را به درستی نمی‌شناسند؛ به توانایی خود برای حل مسائل باور ندارند و صرفاً چشم انتظار کمک‌های دولت هستند، این موارد را می‌توان نمودهایی از ضعف در خودباوری و فقدان عاملیت<sup>۴۲</sup> در جامعه عشایری دانست.

وقوع خشکسالی، مشکلات مرتبط با دامداری و کاهش درآمد، شکاف بین امکانات موجود در جوامع عشایری با جامعه روستایی و شهری، جذابیت‌های سبک زندگی مدرن و کسب سواد از جمله انگیزه‌های مهاجرت به روستا و شهر هستند. در نتیجه، مهاجرت جوانان موجب شده‌است که بسیاری از افراد باقی مانده در جامعه عشایری کهنسال باشند. این افراد توانایی لازم برای انجام فعالیت‌های دشوار زندگی عشایری را ندارند. بعلاوه، مهاجرت، عدم علاقه یا فقدان مهارت‌های نسل جوان برای انجام فعالیت‌های معیشت عشایری سبب شده‌است عشایر در زمینه جمعیت فعال با کمبود مواجه باشند. عشایر در زمینه شناسایی دانش<sup>۴۳</sup> دچار ضعف هستند. برای مثال، برخی از پاسخ‌دهندگان فرصت‌های موجود برای تنوع بخشیدن به منابع درآمدی (برای مثال، گردشگری یا پرورش زنبور عسل) یا فناوری‌ها و روش‌های نوین برای بهبود زندگی خود یا دامداری را نمی‌شناختند.

### عوامل تواناساز درونی

مجموعه‌ای از عوامل سبب می‌شوند که جامعه عشایری ظرفیت انطباق خود را برای مقابله با تنش‌ها افزایش دهند. یکی از این عوامل، دلبستگی به مکان<sup>۴۴</sup> است. عشایر به قلمروهای ایلی، طبیعت و هویت جامعه خود ابراز تعلق خاطر می‌کردند. بعلاوه، بیان

می‌کردند که برای حل مشکلات دیگران و در هنگام برگزاری مراسمی چون عروسی و عزاداری به یکدیگر کمک می‌کنند. جوامع عشایری راهکارهایی را به کار بسته‌اند تا خود را با تنش‌ها سازگار کنند (ظرفیت مقابله)<sup>۴۵</sup>، از جمله می‌توان به کوچ ماشینی، تعلیف دستی، اجاره پس‌چر مزارع، تطبیق دادن شیوه کوچ با میزان در دسترس بودن منابع آبی و علوفه مرتعی و روی آوردن به گردشگری اشاره کرد. جامعه عشایری با حداقل امکانات به زندگی خود ادامه می‌دهند و فرهنگ مصرف‌گرای زندگی مدرن در جامعه عشایری چندان رسوخ نکرده‌است. هر چند در مورد نسل جوان شاید این موضوع متفاوت باشد. بعلاوه، عشایر در بسیاری زمینه‌ها خودکفا هستند و قادرند بسیاری از نیازهای اساسی زندگی خود را تأمین نمایند. زیستن در طبیعت نیز عشایر را مردمی پرطاقت بار آورده‌است. برخی عشایر در تعامل با دیگران چیزهای تازه‌ای می‌آموزند (قابلیت جذب دانش)<sup>۴۶</sup>. از سوی دیگر، اگرچه دانش بومی تا حدی فراموش شده، اما احیای آن، شاید به سازگار شدن جامعه عشایری با شرایط در حال تغییر کمک کند. همچنین، شیوه زندگی منحصر به فرد کوچندگی می‌تواند فرصتی برای توسعه گردشگری باشد. برخی از عشایر، به جذابیت‌های شیوه زندگی خود برای گردشگران اشاره کرده‌اند.

### عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی

با استفاده از مفاهیمی که مقوله کیفیت زندگی یا رفاه را احاطه می‌کند، می‌توان به این موضوع پی برد که مرزهای تاب‌آوری معیشت از دیدگاه جامعه محلی با چه ویژگی‌های تعریف می‌شود (Marschke, 2005, p. 163). بر اساس مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های کیفیت زندگی از دیدگاه جامعه عشایری همگی مرتبط با رفاه مادی هستند و در دو گروه منابع مالی و منابع فیزیکی (زیرساختی-خدماتی) جای می‌گیرند.

### نتیجه‌گیری

الگوی زیست منحصر به فرد عشایر کوچنده، بخشی از میراث فرهنگی و قومی کشور ما به شمار می‌رود و زیست‌بوم‌های عشایری با میراث فرهنگی و منابع طبیعی خود به صورت بالقوه می‌توانند مقصدی جذاب برای گردشگران باشند. از سوی دیگر، از آن‌جا

که در حال حاضر بروز برخی تنش‌ها موجب تنزل الگوی معیشت عشایری شده‌است، جامعه عشایری با بهره‌گیری از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های خود می‌تواند گردشگری را بعنوان یک گزینه معیشتی مکمل برای تنوع بخشی به اقتصاد خود به کار بگیرند. حفظ و احیای این الگوی معیشت چه به عنوان میراث فرهنگی و قومی و چه به عنوان یک محصول گردشگری، مستلزم شناخت عواملی است که می‌تواند تاب‌آوری آن را سبب شود. پژوهش حاضر، با ارائه چارچوب مفهومی و شناسایی عوامل شکل‌دهنده به تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده، در عین حال که تلاش کرده‌است مفاهیم انتزاعی «استعاره چشم‌انداز ثبات» را ملموس کند، به برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌گذاران کمک خواهد کرد که عوامل حائز اهمیت در حفظ و ارتقای تاب‌آوری این الگوی معیشت را بشناسند.

برخی از مولفه‌های چارچوب مفهومی ارائه شده مشابه با چارچوب ارائه شده توسط کلگاریو<sup>۴۷</sup> و همکاران (۲۰۱۷) برای ارزیابی آسیب‌پذیری و تاب‌آوری مقصدهای گردشگری است. چارچوب پژوهش حاضر هفت مولفه اصلی را شامل می‌شود: تغییرات و تنش‌ها؛ ویژگی‌های معیشت؛ عوامل محدودکننده درونی؛ عوامل تواناساز درونی؛ عوامل محدودکننده بیرونی، عوامل تواناساز بیرونی و عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی. قرار گرفتن عوامل در سطوح مختلف همراستا با مفهوم پانارشی است.

در حال حاضر، بروز برخی تغییرات و تنش‌ها در سطح کلان موجب ایجاد آشوب در این سیستم شده و آن‌را به فاز رهایی چرخه انطباق وارد کرده‌است. عمده‌ترین این تنش‌ها روند نوسازی در ایران در قرن اخیر و بروز خشکسالی مزمن بوده که خود بروز دیگر تنش‌ها را در پی داشته‌است.

در سطح معیشت عشایری، ویژگی‌هایی که در ارتباط با دو مؤلفه مقاومت و گستره استعاره چشم‌انداز ثبات مفهوم‌سازی شده‌اند، بستر آسیب‌پذیری سیستم معیشت را شکل داده‌است؛ این ویژگی‌ها عبارتند از در معرض تنش بودن، حساسیت و ظرفیت انطباق.

در وهله اول ویژگی‌های معیشت تعیین می‌کند که سیستم به چه میزان در معرض شوک‌ها و تنش‌ها قرار می‌گیرد. وابستگی معیشت عشایر به دام که انگیزه کوچ را فراهم کرده موجب وابستگی به طبیعت شده‌است. به گفته امبلو<sup>۴۸</sup> (۲۰۱۷) وابستگی معیشت

دامداری به شرایط زیست‌محیطی اهمیت تنوع بخشیدن به گزینه‌های معیشتی را روشن می‌سازد. بعلاوه، معیشت عشایری به اعضای خانوار به عنوان عوامل تولید وابسته است. علاوه بر این، وجود عوامل محدودکننده درونی می‌تواند سبب حساسیت در مقابل تهدیدها شود. از جمله عواملی که جامعه عشایری در زمینه آن‌ها با ضعف روبرو است و در ادبیات نیز بعنوان عوامل ایجاد تاب‌آوری جامعه مورد توجه قرار گرفته‌است، عبارتند از تنوع منابع درآمدی (Norris, Stevens, Pfefferbaum, Wyche, & Pfefferbaum, 2008; Jarzebski, Tumilba, & Yamamoto, 2016; Holladay & Powell, 2013)، اقدام جمعی (Magis, 2010)، عاملیت (Magis, 2010)، نبود تعارض، دسترسی به بازارها (Mishra et al., 2017) و قابلیت شناسایی دانش (Speranza et al., 2014).

روی هم رفته، وابستگی معیشت عشایری به عوامل طبیعی و انسانی و وجود عوامل محدودکننده جامعه که نشان‌گر در معرض تنش بودن و حساسیت آن هستند، می‌توانند از مقاومت سیستم بکاهند.

با این حال، هر چه قدر جامعه عشایری سرمایه‌های بیش‌تر و متنوع‌تری در اختیار داشته باشد ظرفیت انطباق بیش‌تری خواهد داشت و فقدان سرمایه‌ها موجب حساسیت آن در مقابله با تغییرات و تنش‌ها می‌شود (اسمیت و وندل، ۲۰۰۶). از جمله عوامل تواناساز جامعه عشایری که در ادبیات هم به آن‌ها اشاره شده‌است، می‌توان از دل‌بستگی به مکان (Norris et al., 2008; McMillen, Campbell, Svendsen, & Reynolds, 2016)، ظرفیت مقابله (Gallopín, 2006; Smit & Wandel, 2006)، دانش بومی (Magis, 2010; Jarzebski et al., 2016) و قابلیت جذب دانش (Speranza et al., 2014) نام برد. با این حال، بر اساس یافته‌ها در حال حاضر جامعه عشایری در مقایسه با توانایی‌های خود محدودیت‌های بیش‌تری دارد، که این امر آسیب‌پذیری آن‌را افزایش داده‌است.

در نهایت، ادراک جامعه محلی از کیفیت زندگی خود (تزلزل) نشان می‌دهد آیا اعضا حاضرند در قلمرو فعلی به زندگی خود ادامه دهند یا قلمرو فعلی نامطلوب است و اعضا تمایل دارند آن‌را تغییر دهند (برای مثال، شرایط معیشت فعلی خود را بهبود ببخشند) یا می‌خواهند به طور کلی الگوی معیشت دیگری را برگزینند. روند سریع کاهش جمعیت عشایری کشور حاکی از آن است که بسیاری از جوامع عشایری نتوانسته‌اند ساختارهای معیشت خود را بازمهندسی کنند و گذار به یکجانشینی را تجربه کرده‌اند؛

جوامع باقی مانده نیز بنا به مشاهدات میدانی و مصاحبه‌ها در قلمرو جاذبه مطلوب به سر نمی‌برند، زیرا اغلب از کیفیت زندگی خود اظهار نارضایتی می‌کنند. به گفته کارپنتر، واکر، اندریس و ایبل<sup>۴۹</sup> (۲۰۰۱) تاب‌آوری الزاما مطلوب نیست و ممکن است جامعه از لحاظ رفاهی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته باشد اما تاب‌آور باشد. بنابراین، این‌که جوامع عشایری علی‌رغم پایین بودن کیفیت زندگی هم‌چنان به این شیوه زندگی ادامه می‌دهند شاید به این دلیل است که گزینه بهتری پیش روی خود نمی‌بینند. با این حال، به دلیل پایین بودن کیفیت زندگی بسیار آسیب‌پذیرند. بهبود شاخص‌های مرتبط با کیفیت زندگی شاید موجب شود که عشایر در قلمرو جاذبه مطلوب‌تری تاب‌آوری خود را حفظ کنند. بعلاوه، افراد با به‌کارگیری فرصت‌های معیشتی تازه می‌توانند با تهدیدها مواجه شوند (Rampini, 2016). عوامل محدود کننده و تواناساز بیرونی در ترکیب با عوامل مرتبط با معیشت عشایری می‌تواند بر تاب‌آوری اعضای جامعه اثر بگذارد، از جمله این عوامل که در ادبیات نیز بیان شده‌است می‌توان به فقدان عدالت توزیعی (Norris et al., 2008; Magis, 2010; Holladay & Powell, 2013) و فعالیت نهادهای غیردولتی (Mishra et al., 2017) اشاره کرد. بهره‌گیری از عوامل تواناساز بیرونی می‌تواند موجب برقراری رابطه یادآوری بین چرخه‌های انطباق شود و سیستم را به فاز بازمهندسی وارد کند. به عبارت دیگر، سیستم معیشت می‌تواند برای ساختاردهی مجدد خود از منابع و فرصت‌های انباشته شده در سایر سطوح بهره‌بردار (Holling, 2001; Berkes et al., 2003; Folke, 2006; Allen et al., 2014). این درحالی است که وجود عوامل محدود کننده بیرونی از ظرفیت تاب‌آوری سیستم معیشت می‌کاهد.

نظر به این‌که چارچوب ارائه شده برای تاب‌آوری معیشت عشایری، مبتنی بر یافته‌های یک پژوهش کیفی است که در یک قلمرو جغرافیایی و سیستم اجتماعی اکولوژیکی مشخص انجام شده‌است، از قابلیت تعمیم‌پذیری محدودی برخوردار است. با این حال، عوامل شناسایی شده شاید در بین عشایر استان فارس و استان‌های مجاور که شرایط زیست‌محیطی و تاریخی مشابهی را از سر گذرانده‌اند تا حد زیادی مشابه باشد. بدیهی است که اطمینان از این موضوع، نیازمند پژوهش‌های میدانی دیگری است که سایر جوامع عشایری را مورد مطالعه قرار دهد. بعلاوه، مولفه‌های اصلی این چارچوب می‌تواند برای سایر سیستم‌های معیشت از جمله روستایی کاربرد داشته باشد.

## پی‌نوشت

1. Resilience
2. Holling
3. State variables
4. Community resilience
5. Livelihood resilience
6. Engineering resilience
7. Domains or basins of attraction
8. State space
9. Stability landscape
10. Resistance
11. Latitude
12. Precariousness
13. Panarchy
14. Transformability
15. Adaptive cycle
16. Exploitation
17. Conservation
18. Release
19. Reorganization
20. Scale
21. Revolt
22. Remember
23. Surrogates
24. Carpenter, Westley, & Turner
25. Becken
26. Sustainable livelihoods
27. Specified resilience
28. General resilience
29. Exposure
30. Sensitivity
32. Adger
32. Adaptive capacity

۳۳. از آن‌جا که این پژوهش بخشی از رساله دکتری است، میدان مطالعه با توجه به هدف کلی رساله انتخاب شده است.

۳۴. شیما امیری و بهمن مردانلو

۳۵. بسته به ترجیح پاسخ دهندگان، بعضی مصاحبه‌ها به صورت فردی و برخی به صورت گروهی انجام شد.

36. Thematic analysis
37. <http://ashayer.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=212>
38. <https://saman.mcls.gov.ir/fa/saman/dsdsad>
39. <http://ihio.gov.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=9918908d-5383-4fd0-8758-87f6af87af2b>
40. <http://www.sbkiran.ir/insurance/animal>
41. <http://nrw.areeo.ac.ir/HomePage.aspx?TabID=21823&Site=nrw.areeo.ac&Lang=fa-IR>
42. Agency
43. Knowledge identification capability
44. Place attachment
45. Coping capacity/ coping ability/ coping mechanisms
46. Knowledge transfer capability
47. Calgaro
48. Ambelu
49. Carpenter, Walker, Anderies, & Abel

## منابع

آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۳). *تاریخ ایران مدرن*. (محمدابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نشر نی.  
اداره کل امور عشایر استان فارس. (۱۳۸۹). برنامه راهبردی ساماندهی عشایر استان فارس در افق چشم

انداز ۱۴۰۴.

امان‌اللهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۷۴). *کوچ نشینی در ایران؛ پژوهشی درباره ایلات و عشایر*. تهران: انتشارات آگاه.

طرح ویژه آرایه خدمات فرهنگی و مذهبی به جامعه عشایری. (۱۳۹۵). منتشر نشده.

توکلی، جعفر؛ و توانا، محمدحسن ضیا. (۱۳۸۸). پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری. *روستا و توسعه*، (۱)، ۵۳-۸۶.

جمعه‌پور، محمود. (۱۳۹۵). رابطه دولت و جامعه روستایی در دوره نوگرایی، نقد سیاست‌گذاری‌های توسعه در ارتباط با جامعه روستایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۳ (۷۵)، ۶۹-۳۷.

حسین زاده، علی حسین؛ ایدر، نبی اله؛ و ساکی، مها. (۱۳۹۰). توسعه پایدار عشایر. *مطالعات ایلات و عشایر*، (۱)، ۶۷-۸۶.

سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۹۱). آیین‌نامه ساماندهی عشایر کشور و مصوبات شورای عالی عشایر در سال ۸۹-۱۳۸۸. آیندگان.

شاطری، مفید؛ و حجتی پور، محمد. (۱۳۹۰). اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک نازدشت سریشه در استان خراسان جنوبی). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۳ (۲)، ۱۷-۲۹.

صورتجلسه مورخ ۳۰/۵/۹۵ شورای عالی عشایر. (۱۳۹۵). منتشر نشده.

طهماسبی، سیامک؛ بدری، سیدعلی؛ و رضوانی، محمدرضا. (۲۰۱۶). روند تغییرات معیشتی - زیستی در زیست‌بوم‌های عشایری با رویکرد پایداری محیط (مطالعه موردی: زیست‌بوم طایفه فارسیمدان، استان فارس). *جغرافیا و پایداری محیط*، ۵ (۱۷)، ۶۵-۸۶.

فاضل بخششی، فرشته؛ و امیری، شیما. (۱۳۹۵). *گردشگری جامعه بنیاد (ج اول)*. مشهد: نعمتی پاز.

قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰). (بی تا).

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷). *نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور*. بازیابی ۲ خرداد ۱۳۹۶، از وب‌گاه مرکز آمار ایران.

Adger, W. Neil. (2006). Vulnerability. *Global environmental change*, 16(3), 268-281.

Akamani, Kofi. (2012). A community resilience model for understanding and assessing the sustainability of forest-dependent communities. *Human Ecology Review*, 19(2), 99-109.

Allen, Craig R.; Angeler, David G.; Garmestani, Ahjond S.; Gunderson, Lance H.; & Holling, C. S. (2014). Panarchy: Theory and Application. *Ecosystems*, 17(4), 578-589. <https://doi.org/10.1007/s10021-013-9744-2>

Ambelu, A.; Birhanu, Z.; Tesfaye, A.; Berhanu, N.; Muhumuza, C.; Kassahun, W.; ... Woldemichael, K. (2017). Intervention pathways towards improving the resilience of pastoralists: A study from Borana communities, southern Ethiopia. *Weather and Climate Extremes*, Article in Press. <https://doi.org/DOI:10.1016/j.wace.2017.06.001>

Bec, Alexandra. (2016). *Harnessing resilience for tourism and resource-based communities*. Southern Cross University, Lismore, NSW.

Becken, Susanne. (2013). Developing a framework for assessing resilience of tourism sub-systems to climatic factors. *Annals of Tourism Research*, 43, 506-528. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2013.06.002>

- Berkes, F; Colding, J; & Folke, C. (2003). , Navigating social-ecological systems: Building resilience for complexity and change. Cambridge: Cambridge University Press.
- Berkes, Fikret; & Ross, Helen. (2013). Community resilience: toward an integrated approach. *Society & Natural Resources*, 26(1), 5–20.
- Berkes, Fikret; & Seixas, Cristiana S. (2005). Building Resilience in Lagoon Social–Ecological Systems: A Local-level Perspective. *Ecosystems*, 8(8), 967-974. <https://doi.org/10.1007/s10021-005-0140-4>
- Braun, Virginia; & Clarke, Victoria. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Calgaro, Emma; Lloyd, Kate; & Dominey-Howes, Dale. (2014). From vulnerability to transformation: a framework for assessing the vulnerability and resilience of tourism destinations. *Journal of Sustainable Tourism*, 22(3), 341-360. <https://doi.org/10.1080/09669582.2013.826229>
- Carpenter, Stephen R.; Westley, Frances; & Turner, Monica G. (2005). Surrogates for resilience of social–ecological systems. *Ecosystems*, 8(8), 941–944.
- Carpenter, Steve; Walker, Brian; Anderies, J. Marty; & Abel, Nick. (2001). From Metaphor to Measurement: Resilience of What to What? *Ecosystems*, 4(8), 765-781. <https://doi.org/10.1007/s10021-001-0045-9>
- Cochrane, Janet. (2010). The Sphere of Tourism Resilience. *Tourism Recreation Research*, 35(2), 173-185. <https://doi.org/10.1080/02508281.2010.11081632>
- Davoudi, Simin; Shaw, Keith; Haider, L. Jamila; Quinlan, Allyson E.; Peterson, Garry D.; Wilkinson, Cathy; ... Davoudi, Simin. (2012). Resilience: A Bridging Concept or a Dead End? “Reframing” Resilience: Challenges for Planning Theory and Practice Interacting Traps: Resilience Assessment of a Pasture Management System in Northern Afghanistan Urban Resilience: What Does it Mean in Planning Practice? Resilience as a Useful Concept for Climate Change Adaptation? The Politics of Resilience for Planning: A Cautionary Note. *Planning Theory & Practice*, 13(2), 299-333. <https://doi.org/10.1080/14649357.2012.677124>
- Faghihi, Abolhassan. (1986). Bureaucracy and Politics Under the Shah: A Study of the Bureacracy in the Context of Iran’s Politics 1941-1978. State University of New York at Albany, New York, USA.
- Folke, Carl. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social–ecological systems analyses. *Global Environmental Change*, 16(3), 253-267. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2006.04.002>
- Folke, Carl; Carpenter, Steve; Elmqvist, Thomas; Gunderson, Lance; Holling, C. S.; & Walker, Brian. (2002). Resilience and Sustainable Development: Building Adaptive Capacity in a World of Transformations. *AMBIO: A Journal of the Human Environment*, 31(5), 437-440. <https://doi.org/10.1579/0044-7447-31.5.437>
- Forster, J.; Lake, I. R.; Watkinson, A. R.; & Gill, J. A. (2014). Marine dependent livelihoods and resilience to environmental change: A case study of Anguilla. *Marine Policy*, 45, 204-212. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2013.10.017>
- Gallopín, Gilberto C. (2006). Linkages between vulnerability, resilience, and adaptive capacity. *Global Environmental Change*, 16(3), 293-303. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2006.02.004>
- Hanazaki, Natalia; Berkes, Fikret; Seixas, Cristiana S.; & Peroni, Nivaldo. (2013). Livelihood Diversity, Food Security and Resilience among the Caicara of Coastal Brazil. *Human Ecology: New York*, 41(1), 153-164.



- <https://doi.org/http://dx.doi.org/10.1007/s10745-012-9553-9>
- Holladay, Patrick Joseph; & Powell, Robert Baxter. (2013). Resident perceptions of social–ecological resilience and the sustainability of community-based tourism development in the Commonwealth of Dominica. *Journal of Sustainable Tourism*, 21(8), 1188-1211. <https://doi.org/10.1080/09669582.2013.776059>
- Holling, C. S. (1973). Resilience and Stability of Ecological Systems. *Annual Review of Ecology and Systematics*, 4(1), 1-23. <https://doi.org/10.1146/annurev.es.04.110173.000245>
- Holling, C. S. (2001). Understanding the Complexity of Economic, Ecological, and Social Systems. *Ecosystems*, 4(5), 390-405. <https://doi.org/10.1007/s10021-001-0101-5>
- Jarzebski, Marcin Pawel; Tumilba, Victor; & Yamamoto, Hirokazu. (2016). Application of a tri-capital community resilience framework for assessing the social–ecological system sustainability of community-based forest management in the Philippines. *Sustainability Science*, 11(2), 307-320. <https://doi.org/10.1007/s11625-015-0323-7>
- Magis, Kristen. (2010). Community Resilience: An Indicator of Social Sustainability. *Society & Natural Resources*, 23(5), 401-416. <https://doi.org/10.1080/08941920903305674>
- Marschke, M. (2005). *Livelihood in context: learning with Cambodian fishers*. University of Manitoba, Winnipeg, Manitoba, Canada.
- Marschke, M.J.; & Berkes, F. (2006). Exploring strategies that build livelihood resilience: A case from Cambodia. *Ecology and Society*, 11(1).
- McMillen, H.; Campbell, L.K.; Svendsen, E.S.; & Reynolds, R. (2016). Recognizing stewardship practices as indicators of social resilience: In living memorials and in a community garden. *Sustainability (Switzerland)*, 8(8). <https://doi.org/10.3390/su8080775>
- Mishra, A.; Ghate, R.; Maharjan, A.; Gurung, J.; Pathak, G.; & Upraity, A.N. (2017). Building ex ante resilience of disaster-exposed mountain communities: Drawing insights from the Nepal earthquake recovery. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 22, 167-178. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2017.03.008>
- Munt, Ian. (1994). The 'Other' Postmodern Tourism: Culture, Travel and the New Middle Classes. *Theory, Culture & Society*, 11(3), 101-123. <https://doi.org/10.1177/026327694011003005>
- Norris, Fran H.; Stevens, Susan P.; Pfefferbaum, Betty; Wyche, Karen F.; & Pfefferbaum, Rose L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American journal of community psychology*, 41(1-2), 127–150.
- Panarchy. (n.d.). Retrieved November 06, 2017, from <https://www.resalliance.org/panarchy>
- Prado, Deborah Santos; Seixas, Cristiana Simão; & Berkes, Fikret. (2015). Looking back and looking forward: Exploring livelihood change and resilience building in a Brazilian coastal community. *Ocean & Coastal Management*, 113, 29-37. <https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2015.05.018>
- Quandt, Amy Kathryn. (2017). *Building Livelihood Resilience in Semi-Arid Kenya: What Role Does Agroforestry Play?* University of Colorado at Boulder.
- Rampini, Costanza. (2016). Impacts of hydropower development along the Brahmaputra River in Northeast India on the resilience of downstream communities to climate change impacts. University of California, Santa Cruz.
- Ross, H.; & Berkes, F. (2013). Community Resilience: A Rejoinder to Debra J. Davidson. *Society and Natural Resources*, 26(1), 25-29.

- <https://doi.org/10.1080/08941920.2012.749769>
- Sarkki, S.; Komu, T.; Heikkinen, H.I.; Garcia, N.A.; Lépy, É.; & Herva, V.-P. (2016). Applying a synthetic approach to the resilience of finnish reindeer herding as a changing livelihood. *Ecology and Society*, 21(4). <https://doi.org/10.5751/ES-08819-210414>
- Saxena, A; Guneralp, B; Bailis, R; Yohe, G; & Oliver, C. (2016). Evaluating the resilience of forest dependent communities in Central India by combining the sustainable livelihoods framework and the cross scale resilience analysis. *CURRENT SCIENCE*, 110(7), 1195-1207.
- Smit, Barry; & Wandel, Johanna. (2006). Adaptation, adaptive capacity and vulnerability. *Global Environmental Change*, 16(3), 282-292. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2006.03.008>
- Sok, S.; & Yu, X. (2015). Adaptation, resilience and sustainable livelihoods in the communities of the Lower Mekong Basin, Cambodia. *International Journal of Water Resources Development*, 31(4), 575-588. <https://doi.org/10.1080/07900627.2015.1012659>
- Speranza, Chinwe Ifejika; Wiesmann, Urs; & Rist, Stephan. (2014). An indicator framework for assessing livelihood resilience in the context of social-ecological dynamics. *Global Environmental Change*, 28, 109-119. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2014.06.005>
- Stanford, R.J.; Wiryawan, B.; Bengen, D.G.; Febriamansyah, R.; & Haluan, J. (2017). The fisheries livelihoods resilience check (FLIRES check): A tool for evaluating resilience in fisher communities. *Fish and Fisheries*, Article in press. <https://doi.org/DOI:10.1111/faf.12220>
- Tanner, Thomas; Lewis, David; Wrathall, David; Bronen, Robin; Cradock-Henry, Nick; Huq, Saleemul; ... Thomalla, Frank. (2015). Livelihood resilience in the face of climate change. *Nature Climate Change*, 5(1), 23-26. <https://doi.org/10.1038/nclimate2431>
- Thulstrup, Andreas Waaben. (2015). Livelihood Resilience and Adaptive Capacity: Tracing Changes in Household Access to Capital in Central Vietnam. *World Development*, 74, 352-362. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2015.05.019>
- Walker, Brian; Holling, C. S.; Carpenter, Stephen; & Kinzig, Ann. (2004). Resilience, Adaptability and Transformability in Social-ecological Systems. *Ecology and Society*, 9(2). <https://doi.org/10.5751/ES-00650-090205>

## **A Framework for Livelihood Resilience of Nomadic Communities (A Case Study in Qashqai Tribe)**

**Mahmoud Ziaee; Abolhassan Faghihi; Mahmoud Jomepour;  
Fatemeh Shekari**

### **Abstract**

Iran's Nomadic communities are now facing major challenges regarding their livelihoods. The forced transition of their settled lifestyle due to these challenges can have undesirable outcomes for their quality of life. The nomadic communities as a part of Iran's ethnic heritage has the capacity to employ tourism for diversifying its economy and the country's tourism product diversity. Therefore, the importance of identifying those factors that contribute to the community's capability to build their livelihood resilience is justified. This paper aims at exploring the factors that can improve nomadic communities resilient. Furthermore, this study attempts to present a livelihood resilience framework with a particular focus on nomads. So, the research contributes to the theoretical and applied dimensions of livelihood resilience. To accomplish these goals, a qualitative contextual case study method was employed. We used semi-structured interviews with Qashqai nomads and key informants. In addition, direct observation and unobtrusive data were collected in the study. We used thematic analysis to interpret interviews. Based on stability landscape theory, factors contribute to the nomadic livelihood resilience were categorized as seven main themes, including: livelihood characteristics and internal constraints (implying resistance); internal enablers (implying adaptive capacity); quality of life (implying precariousness); external constraints; external enablers and changes and stresses (implying panarchy theory).

**Keywords:** Livelihood resilience; Stability landscape; Nomadic tourism; Qashqai tribe; Thematic analysis